

همسو با رفع
موانع تولید،
اجرای فوری
«تہاتر مالیاتی»
در سراسر کشور
و ممنوعیت
مسدودسازی
حساب‌های
شرکت‌های
تولیدی فعال
ضروری است.
این اقدام سبب
حفظ جریان
نقدینگی، کاهش
ریسک عملیاتی و
افزایش بهره‌وری
شرکت‌ها می‌شود
و اطمینان
می‌دهد که
تولیدکنندگان
قادر به ادامه
فعالیت خود
بدون وقفه
هستند



پتروشیمی
گچساران

ایران

۹۶

یافته‌های سایر نهادهای نظارتی همخوانی دارد. دیوان محاسبات کشور در گزارش عملکرد خود به برخی از شرکت‌های دولتی، به «تغییرات مکرر مدیریت و فقدان استمرار در اجرای راهبردها» به عنوان یکی از عوامل اصلی کاهش بهره‌وری و تعطیلی پروژه‌های کلان اشاره کرده است. در شرایطی که صنعت پتروشیمی نیازمند مدیریت پیچیده، تصمیم‌گیری فنی و روابط بین‌المللی قوی است، انتصاب مدیران براساس روابط سیاسی به جای شایستگی‌های تخصصی، به معنای زمین‌خوردن پروژه‌های میلیارد دلاری و از دست دادن فرصت‌های طلایی در بازار جهانی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که متوسط عمر مدیریت در شرکت‌های پتروشیمی دولتی کوتاه است، در حالی که این رقم در شرکت‌های مشابه در کشورهای رقیب بیش از ۵ سال است. این تغییرات مکرر مدیریتی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و اجرای پروژه‌های راهبردی را از صنعت سلب کرده است.

چهارچوب نظری: آناتومی یک زنجیره بدون حامی

مفهوم «زنجیره بدون حامی» در چهارچوب تئوری حکمرانی با مفهوم «تعدد سیاست‌گذاران با اهداف ناهمسو» قابل تبیین است. در این مدل، صنعت پتروشیمی تحت نظارت چندین نهاد مختلف فعالیت می‌کند که هر یک اهداف و اولویت‌های متفاوت خود را دنبال می‌کنند و گاه این اهداف با یکدیگر تضاد دارند. این شرایط سبب می‌شود تصمیم‌گیری‌های کلان در صنعت پراکنده، کند و پرهزینه شود. وزارت نفت به عنوان مسئول تأمین خوراک و توسعه صنعت پتروشیمی بر توسعه زیرساخت‌ها و ظرفیت‌سازی بلندمدت تمرکز دارد. در مقابل، وزارت اقتصاد و سازمان امور مالیاتی بر حداکثرسازی درآمدهای مالیاتی کوتاه‌مدت متمرکز هستند و گاهی تصمیمات آنها با نیازهای توسعه‌ای صنعت در تضاد است. هم‌زمان، وزارت صمت با هدف تنظیم بازار داخلی و کنترل قیمت‌ها وارد عمل می‌شود و سیاست‌های قیمتی آن می‌تواند بهره‌وری تولیدکنندگان را تحت تأثیر

قرار دهد. افزون بر این، بانک مرکزی با سیاست‌های ارزی و مدیریت کسری بودجه درگیر است و تصمیمات ارزی آن ممکن است جریان نقدینگی و صادرات پتروشیمی را محدود کند. همچنین، ستاد مناطق ویژه اقتصادی مأمور جذب سرمایه‌گذاری است، اما اقدام‌هایی مانند حذف معافیت‌های مالیاتی و گمرکی در عمل اهداف این ستاد را دور از دسترس کرده و به تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران منجر می‌شود. جمع این تعارضات، همان وضعیت «زنجیره بدون حامی» را ایجاد می‌کند که توان برنامه‌ریزی بلندمدت و توسعه پایدار صنعت پتروشیمی را بشدت کاهش می‌دهد.

هیچ نهاد مافوق قدرتمندی برای هماهنگی این اهداف متعارض و ایجاد یک خط‌مشی واحد برای «ایجاد حداکثر ارزش افزوده بلندمدت صنعت پتروشیمی» وجود ندارد. نتیجه این مدل حکمرانی می‌شود یک زنجیره ارزش که در هر حلقه با یک سیاست متضاد روبه‌رو شده و در نهایت از حرکت بازمی‌ایستد.

در تئوری توسعه صنعتی، صنایع موفق معمولاً از یک «نهاد حامی» برخوردارند که مسئولیت هماهنگی تمام سیاست‌ها و رفع موانع پیش روی صنعت را برعهده دارد. برای مثال، در کشور مالزی، «شرکت پتروناس» این نقش را برای صنعت نفت و گاز ایفا می‌کند. در ایران، اما صنعت پتروشیمی فاقد چنین نهاد قدرتمند و هماهنگ‌کننده‌ای است.

راهکارهای عملیاتی

برای راهی از این بن‌بست، راهکارها باید در دو سطح طراحی شوند:

راهکارهای فوری و کوتاه‌مدت

برای تقویت اعتماد و تضمین استمرار فعالیت‌های صنعت پتروشیمی، احیای اعتماد از اهمیت بالایی برخوردار است. بازنگری فوری در تصمیم حذف معافیت‌های مناطق ویژه و ارائه تضمین‌های

